

تحلیل رابطه شاخص‌های جمعیتی با توسعه یافتگی استان‌های ایران

میرنجف موسوی

دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه ارومیه

علی اکبر تقیلو

استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه ارومیه

علی باقری کشکولی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه اصفهان

چکیده

ترتیب ۰/۹۸۶۱ و ۰/۹۸۲۴ به عنوان توسعه یافته‌ترین استان‌ها و استان سیستان و بلوچستان با میزان توسعه ۰/۰۰۶۹ به عنوان محروم‌ترین استان شناخته شدند. همچنین ضریب همبستگی چندگانه با ۰/۹۰۱ رابطه بین شاخص‌های جمعیتی و میزان توسعه یافتگی استان‌های کشور را تایید می‌نماید. مقدار تبیین نشان می‌دهد که ۷۶/۵ درصد از تغییرات و توسعه یافتگی استان‌های کشور ناشی از شاخص‌های جمعیتی (تراکم جمعیت، میزان شهرنشینی، نرخ فعالیت، بارتکفل، میزان باسوادی، میزان مهاجرین وارد شده و نسبت جنسی است. همچنین مدل تحلیل مسیر نشان می‌دهد شاخص میزان باسوادی با ضریب ۰/۶۸۷ بیشترین تاثیر و میزان بارتکفل با ضریب ۰/۳۵۵ - کمترین تاثیر به عبارتی دیگر تاثیر منفی بر روند توسعه یافتگی استان‌های کشور داشته است. در نهایت جهت رسیدن به توسعه یافتگی استان‌های محروم پیشنهاداتی ارائه شده است.

برنامه ریزی جمعیت به عامل اساسی در توسعه یافتگی و عدم توسعه یافتگی مطرح شده است. پدیده شهرنشینی به عنوان یکی از مهمترین پیامدهای رشد جمعیت در قرن ۲۱ منجر شده است بحران‌های شهری و آسیب‌های جدی در روند توسعه یافتگی مناطق و شهرها به وجود آید و استان‌های کشور به لحاظ میزان توسعه یافتگی نابرابری شدیدی باهم داشته باشند. با توجه به ماهیت موضوع و مؤلفه‌های مورد بررسی، رویکرد حاکم برای این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. شاخص‌های مورد بررسی حدود ۷ شاخص جمعیتی و ۳۰ شاخص اقتصادی، فرهنگی، صنعتی و مسکن است که اطلاعات مورد نیاز از مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و سالنامه‌های آماری استان‌ها بر اساس آمار سال ۱۳۹۰ جمع‌آوری شده است. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل Topsis و همچنین از آزمون‌های آماری ضریب همبستگی، رگرسیون، تحلیل واریانس و مدل تحلیل مسیر جهت سنجش ارتباط بین شاخص‌های جمعیتی و شاخص‌های توسعه و همچنین میزان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری استفاده شده است. برابر بررسی‌های صورت گرفته، استان تهران و البرز با میزان‌های توسعه به

کلمات کلیدی: شاخص‌های جمعیتی، شاخص‌های توسعه، توسعه یافتگی، استان‌های ایران.

مقدمه

سایر فشارهای زیست‌محیطی را تحت تأثیر قرار داد (Barton, 1992: 65). نگاهی اجمالی به مطالعات صورت گرفته در کشور در زمینه روابط جمعیت و توسعه نشان می‌دهد که مناسبات چندسطحی، تنگاتنگ و پیچیده‌ای بین جمعیت و توسعه برقرار است. در نتیجه، سیاست‌ها و برنامه‌های جمعیتی نمی‌تواند مستقل از برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه باشد و بالعکس. جمعیت و مولفه‌های مختلف آن از جمله "تعداد مطلق جمعیت"، "تراکم جمعیتی"، "رشد جمعیت"، "خصوصیات و کیفیت‌های خاص جمعیت" و شاید مهم‌تر از همه، مولفه‌های مربوط به حرکات جمعیتی (یعنی مرگ‌ومیر، باروری و مهاجرت) مناسبات تنگاتنگی با توسعه و ابعاد مختلف آن شامل توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارند. بدنه دانش و ادبیات پژوهشی موجود درباره‌ی مناسبات جمعیت و توسعه مؤید آن است که تحولات کمی و کیفی جمعیت این استعداد و قابلیت را دارد که روی مولفه‌های خاص توسعه تأثیرگذار باشد، در حالی که از آنها تأثیر نیز می‌پذیرد (قاضی طباطبائی: ۱۳۸۸: ۱۹۱). جمعیت ایران در سال ۱۳۳۵ برابر با ۷۰۴،۹۵۴،۱۸ بوده که با نرخ رشد ۲/۵۳ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۶۶۹،۱۴۹،۷۵ نفر افزایش یافته است. در این رابطه، بالاترین میزان نرخ رشد جمعیت طی سال‌های ۶۵-۱۳۵۵ بوده است (برابر با ۳/۸ درصد) که سرمایه‌گذاری نسبتاً زیاد و وجود اشتغال بالا، جذب مهاجران افغانی، معاودین عراقی، گسترش واردات کشور و ترویج فعالیت‌های بندری از مهمترین دلایل افزایش نرخ رشد جمعیتی می‌باشند. همچنین کمترین میزان نرخ رشد جمعیتی نیز طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ بوده است (یعنی ۱/۲۸ درصد) که ناشی از وضعیت نامطلوب اقتصادی کشور، بالا بودن میزان بیکاری، کاهش شدید نرخ ازدواج و ... که تحت تأثیر شدید تحریم‌های اقتصادی بر علیه کشور می‌باشند، است. می‌توان گفت با این روند کاهش میزان نرخ رشد جمعیتی در استان‌های کشور طی چند سال آینده کشور با پدیده پیری جمعیت روبرو خواهد شد و این روند پیری به شدت میزان توسعه یافتگی استان‌ها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این مقاله با بررسی شاخص‌های جمعیتی، میزان توسعه‌یافتگی و تحلیل ارتباط بین شاخص‌های جمعیتی و توسعه‌یافتگی در استان‌های کشور، به دنبال تبیین وجود یا عدم

طی سال‌های گذشته، دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی وجود داشته است مبنی بر این که رشد سریع جمعیت ممکن است تأثیر با تأخیر و کندی بر روی توسعه اقتصادی - اجتماعی داشته باشد (Gomes and Foot 2003: 87). از این رو رشد بی‌رویه جمعیت و تهدیدهای ناشی از آن در نیمه دوم قرن بیستم میلادی توجه صاحب‌نظران بسیاری را به خود جلب کرد و درباره این مسئله که نرخ بالای رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه، اهداف این کشورها را در تجهیز منابع و استفاده از امکانات در برای کاهش فقر، ایجاد اشتغال و خودکفائی به مخاطره افکنده است تقریباً اجماع وجود داشت. از این رو مباحث مربوط به توسعه و جمعیت انعکاس وسیعی یافت (زنجانی، ۱۳۷۱: ۷) و موافقت عمومی در بین صاحب‌نظران به وجود آمد که یک رابطه بسیار قوی بین جمعیت و توسعه یا کاهش فقر وجود دارد (Mbonile & Kivelia, 2001: 21). به گونه‌ای که بر اثر رشد زیاد جمعیت در کشورهای در حال توسعه، برنامه‌ریزی جمعیت به عامل اساسی در توسعه یافتگی و عدم توسعه یافتگی آنها مطرح شده است (Simon, 1977: 125). در آن رابطه رویکرد نظریه پردازان توسعه نیافتگی، با نظریه‌های مارکس و انگلس هماهنگی و هم خوانی بیشتری دارند در حالی که تلاش برای ایجاد یک تئوری سوسیالیستی جمعیت به پیش از زمان مارکس بر می‌گردد (united nations, 1973: 46). توجه مارکس به جمعیت بیش از یک عمل متقابل نسبت به مالتوس بود، و متغیرهای جمعیتی نقش بسزایی در تئوری توسعه سرمایه داری وی ایفا کردند (Lenin, 1963: 65). در همین ارتباط سوسیالیست‌ها، کاهش رشد جمعیت بر اساس برنامه‌ریزی‌های کنترل جمعیتی را تهدیدی جدی برای توسعه یافتگی مطرح کردند (Bebel, 1970: 370). نتیجه این دیدگاه‌ها و نظریه‌ها در قالب پدیده شهرنشینی به عنوان یکی از مهمترین پیامدهای رشد جمعیت در قرن ۲۱ مطرح گردید به گونه‌ای که افزایش بی‌رویه جمعیت منجر به بحران‌های شهری و آسیب‌های جدی در روند توسعه یافتگی مناطق شد (United Nations, 2000: 147). رشد جمعیت تمرکز مکانی افراد، صنعت، تجارت، وسایل نقلیه، مصرف انرژی، استفاده از آب، تولید زباله‌ها و

وجود رابطه بین شاخص‌های جمعیتی و میزان در توسعه یافتگی استان‌های کشور در راستای ارائه راهکار و پیشنهاداتی برای توسعه مناطق کمتر توسعه یافته است.

مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری تحقیق

در مورد رابطه جمعیت و توسعه باید گفت این رابطه پیچیده‌تر از آن است که بتوان تعمیمی واضح و قضاوتی مطلق در مورد آن به دست داد؛ این که رشد جمعیت محرک توسعه است یا مانع توسعه، بستگی به میزان و شتاب رشد جمعیت از یک سو و اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی جامعه از سوی دیگر دارد. در هر حال تا آن جایی که رشد جمعیت مانعی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی نباشد این رشد می‌تواند مطلوب تلقی شود (کازمی پور، ۱۳۸۹: ۸۴). مالتوس و طرفدارانش، فقر و تنگدستی را معلول ازدیاد جمعیت می‌دانسته‌اند و تفکرشان بر این بوده است که با ازدیاد جمعیت، منابع غذایی و رفاهی جامعه محدودتر می‌شود و رشد جمعیت باعث فقیرتر شدن جوامع پرجمعیت می‌شود طرفداران مالتوس بر این باورند که برای از بین بردن فقر باید سطح باروری پایین بیاید و نیز آنان مهار جمعیت را راهی برای فرار از این مشکل و مسئله اجتماعی قلمداد می‌کردند (Charle, 1983: 176-177). در مقابل نظریه مخالفان افزایش جمعیت، عده‌ای با بیان نظریه انتقال جمعیت، توسعه متوازن جمعیت را مطرح کردند. نظریه انتقال جمعیت، تغییرات در میزان‌های مولید و مرگ و میر را به موازات گذار از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سنتی قبل از مدرن، به یک جامعه مدرن صنعتی و شهری توصیف می‌کند (Ross, 1996: 34). این نظریه دارای چهار مرحله است که در مرحله یک، جمعیت از حالتی که مرگ و میر و باروری هر دو در سطح بالایی هستند، به حالتی که باروری و مرگ و میر هر دو پایین هستند، منتقل می‌شود. قبل و بعد از انتقال، رشد جمعیت بسیار کند است. حد فاصل این دو حالت، دوران گذار جمعیت‌شناختی است. هنگامی که کشورهای کمتر توسعه یافته پا به مرحله دوم نهادند، این افزایش جمعیتی به نقطه اوج خود رسید. همچنین از دیگر مشخصه مرحله دوم گذار جمعیتی، تغییر ساختار سنی جمعیت می‌باشد. در مرحله سوم، کاهش میزان زاد و ولدها جمعیت را به سوی ثبات سوق می‌دهد. این تغییر، عقیده مالتوس مبنی بر این که تغییر در میزان مرگ و میرها علت اصلی تغییر جمعیت بود، را رد می‌کند و نهایت در

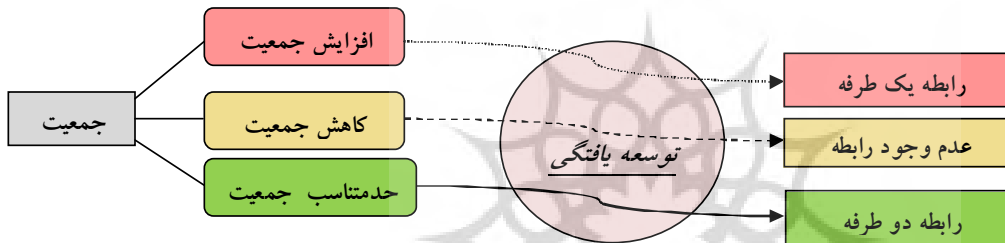
مرحله چهارم به یک ثبات و پایداری در رشد جمعیت خواهیم رسید (موسوی، باقری کشکولی، ۱۳۹۱: ۱۰۳). از نظر زمان شروع و مراحل گذار، کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تفاوت‌هایی اساسی با هم دارند. در کشورهای در حال توسعه، در نتیجه کاهش سریع‌تر میزان مرگ و میر و ثبات نسبی سطح بالای باروری تا چند دهه، میزان رشد جمعیت در این کشورها قبل از وارد شدن به مرحله سوم گذار بالاتر است. علاوه بر این ساخت سنی جمعیت این کشورها در مقایسه با کشورهای توسعه یافته بسیار جوان‌تر است (Heer, 1977: 75). برای سیاست گذاران و برنامه‌ریزان جمعیتی در برنامه‌ریزی توسعه، مهم است دریابد که کاهش میزان رشد جمعیت ممکن است به فرآیند توسعه کمک کند، اما تنها یکی از عوامل متعددی است که ممکن است حیاتی و مهم باشد. به عبارت دیگر این کاهش رشد جمعیت باید متناسب با میزان توسعه یافتگی مناطق باشد به گونه‌ای که با دستیابی به یک رشد مطلوب، توسعه یافتگی مناطق در شاخص‌های اقتصادی، کالبدی، ... نیز با همان میزان رشد، توسعه پیدا کنند. دیگر عنصر برای برنامه‌ریزی جمعیتی، تصویب سیاست‌هایی است که رشد جمعیت را کاهش خواهد داد (Gilbert, 1989: 108). پیشرفت تکنولوژی و فناوری، توسعه بهداشت، رشد آموزش، مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی، توسعه زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاری و ... عوامل کلیدی در پیوند بین رشد جمعیت و توسعه یافتگی محسوب می‌شوند به گونه‌ای که این دو متغیر از یک رشد مطلوب و هم راستا برخوردار باشند. به این صورت که رشد جمعیت با سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی و ظرفیت محیط زیست هماهنگ و سازگار باشد در تعداد جمعیت تعادل ایجاد می‌شود. در اندازه جمعیت متعادل، کیفیت جمعیت بهبود یافته، ساختار و توزیع جمعیت منطقی و بهینه شده است (Zhenwu, 2010: 56). توسعه جمعیت متعادل بعنوان اساس توازن و تعادل پویای برای تغییر سایر عوامل توسعه منطقه‌ای تعریف شده است (Jianmin, 2010: 32). این تعریف نشان می‌دهد اولاً مهم‌ترین عامل در توسعه متعادل جمعیت تعادل دینامیکی تمامی عوامل در سیستم جمعیتی است. زیرا ویژگی‌های طبیعی و اجتماعی جمعیت تغییر آن را تعیین می‌کند که به وسیله قانون بیولوژیکی کنترل شده و همچنین توسط محیط اجتماعی، اقتصادی واکولوژیکی محدود

منطقه، می‌توان در شاخص‌های توسعه به یک پایداری رسید اما در این ارتباط دو طرفه میزان رشد جمعیت باید با میزان رشد توسعه در یک سطح قرار گیرند (نمودار ۱).

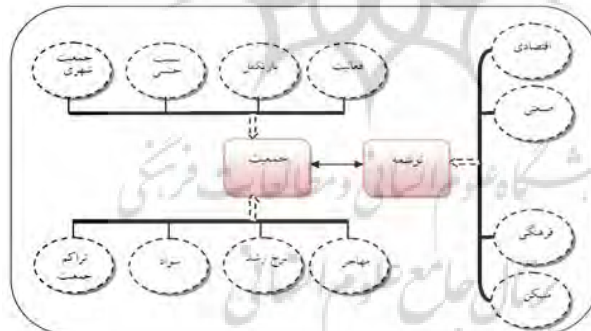
محدوده و قلمرو و تحقیق

ایران با ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع مساحت از شمال با ارمنستان، آذربایجان، و ترکمنستان و دریای خزر، از مشرق با افغانستان و پاکستان، از مغرب با ترکیه و عراق و از جنوب با خلیج فارس و دریای عمان همسایه است. این کشور بین عرض‌های جغرافیایی ۲۵ درجه و ۳ دقیقه الی ۳۹ درجه و ۴۷ دقیقه شمالی و طول‌های شرقی ۴۴ درجه و ۵ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۱۸ دقیقه از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). قلمرو پژوهش، ۳۱ استان کشور بر اساس تقسیمات سیاسی-اداری سال ۱۳۹۰ است. (نقشه ۱)

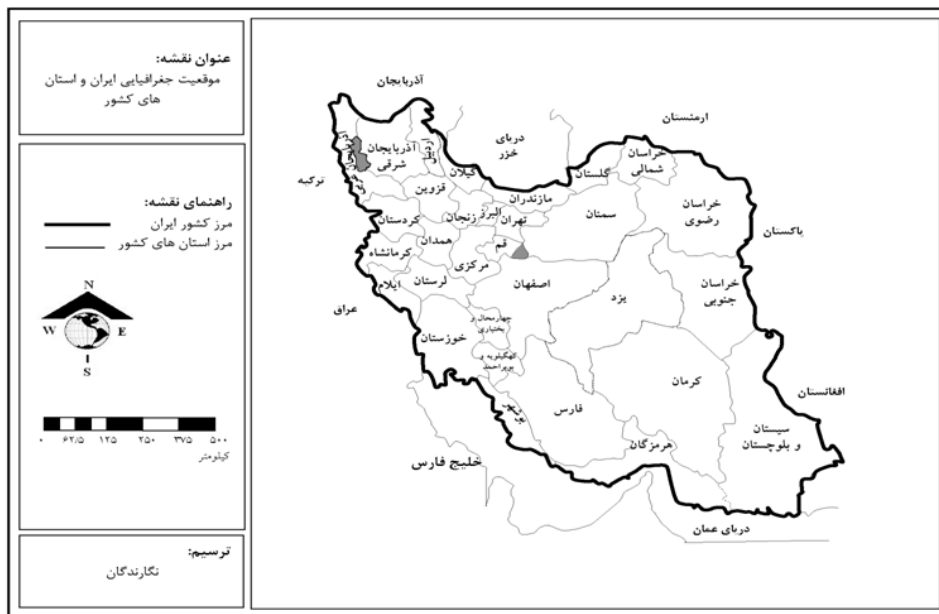
می‌شود. دوم این که توسعه متعادل جمعیت هماهنگ کننده سیستم جمعیتی و محیط بیرونی است، این به بدان معنی است که اندازه جمعیت با توسعه اجتماعی و اقتصادی و زیست محیطی هماهنگ باشد، هنگامی که این شرایط، مخصوصا با توسعه سریع علم و تکنولوژی تغییر می‌یابد رابطه جمعیت و محیط و اقتصاد و غیره نیز تغییر یافته و شرایط دیگری ایجاد می‌شود (Lei & Dayong, 2011: 2533-2534). افزایش جمعیت منجر به یک رابطه یک طرفه می‌گردد و شاخص‌های توسعه در منطقه (اقتصادی، فرهنگی، کالبدی، زیست محیطی) را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد به گونه‌ای که این شاخص‌ها در دراز مدت جوابگوی میزان افزایش جمعیت نخواهند بود. همچنین کاهش جمعیت نیز هر چند در کوتاه مدت منجر به بهبود شاخص‌های توسعه می‌گردد اما در دراز مدت تبعات جمعیتی آن منجر به عدم توسعه یافتگی مناطق خواهد شد. بنابراین با داشتن حد متناسب جمعیت در یک



نمودار (۱): ارتباط جمعیت و توسعه یافتگی



نمودار (۱): مدل تحلیلی ارتباط شاخص‌های جمعیتی و توسعه یافتگی استانهای کشور.



نقشه (۱): موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

روش پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع و مؤلفه‌های مورد بررسی، رویکرد حاکم برای این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. هدف اصلی این پژوهش شناسایی ارتباط شاخصی جمعیتی با شاخص‌های توسعه در سال ۱۳۹۰ در ایران است که برای دستیابی به این هدف، شاخص‌های جمعیتی استان‌های کشور با شاخص‌های اقتصادی، صنعتی، فرهنگی و غیره مورد مقایسه قرار می‌گیرد. شاخص‌های مورد بررسی حدود ۷ شاخص جمعیتی و ۳۰ شاخص اقتصادی، فرهنگی، صنعتی و مسکن است (جدول ۱) که اطلاعات مورد نیاز از مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و سالنامه‌های آماری استان‌ها بر اساس آمار سال ۱۳۹۰ جمع‌آوری شده است. ابتدا از طریق روش وزن‌دهی آنتروپی شانون شاخص‌های مورد بررسی وزن‌دهی شده‌اند، سپس از طریق مدل تاپسیس ۳۱ استان کشور رتبه‌بندی گردیده است. نهایتاً از طریق آزمون‌های آماری ضریب همبستگی، رگرسیون، تحلیل واریانس و مدل تحلیل مسیر استانهای کشور از نظر شاخص‌های جمعیتی و توسعه مورد مقایسه و مطالعه تطبیقی قرار گرفته‌اند، و تاثیر هر یک از شاخص‌های جمعیتی در تعیین توسعه یافتگی استانهای کشور مشخص گردید.

یافته‌های تحقیق

بررسی روند تحولات جمعیتی استان‌های کشور

بررسی‌ها نشان می‌دهند جمعیت کشور از ۷۰ میلیون نفر سال ۱۳۸۵ با نرخ رشد ۱/۲۸ درصد به ۷۵ میلیون و ۱۴۹ هزار و ۶۶۹ نفر در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است که از این رقم ۵۰/۴ درصد مرد و ۴۹/۶ درصد زن و ۲۸/۵ درصد روستایی و ۷۱/۴ درصد شهری تشکیل می‌دهند. نرخ رشد جمعیت شهری کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ همواره یک روند سیر نزولی را طی کرده به گونه‌ای که از ۵/۱ درصد به ۲/۱۳ درصد در سال کاهش یافته است اما این کاهش رشد به معنی سیر نزولی افزایش جمعیت شهری نبوده است بلکه با کاهش شدید نرخ رشد جمعیت در مناطق روستایی (از ۲/۰۹ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۰/۶۲- در سال ۱۳۹۰)، این مناطق جمعیت خود را به نفع مناطق شهری از دست داده‌اند (جدول ۲).

۱ - نرخ رشد سالانه جمعیت از طریق فرمول ذیل به دست می‌آید:

$$r = \left(\sqrt[n]{\frac{P(t)}{P_0}} - 1 \right) \times 100$$

جدول (۱): شاخص‌های تحقیق

الف - شاخص‌های توسعه: ۱- درصد شاغلان بخش صنعت؛ ۲- درصد شاغلان بخش خدمات؛ ۳- ضریب اشتغال؛ ۴- نرخ مشارکت زنان؛ ۵- تعداد کارگاه‌های صنعتی بین ۵۰ کارکن و بیشتر؛ ۶- سرانه مصرف انرژی (مگاوات - ساعت)؛ ۷- طول راه‌ها به ازای کیلومتر مربع؛ ۸- امید به زندگی؛ ۹- تعداد کارگاه‌های صنعتی بین ۱۰-۴۹ کارکن؛ ۱۰- تعداد شاغلان کارگاه‌های صنعتی بین ۵۰ نفر کارکن و بیشتر؛ ۱۱- تعداد شاغلان کارگاه‌های صنعتی ۱۰-۴۹ نفر کارکن؛ ۱۲- ارزش افزوده تولیدات صنعتی؛ ۱۳- تعداد فرودگاه به ازای ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت؛ ۱۴- تعداد دانشگاه به ازای ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت؛ ۱۵- تعداد دانشجو به ازای ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت؛ ۱۶- تعداد کتابخانه به ازای هر ده هزار نفر جمعیت؛ ۱۷- ۱۸- تعداد پزشکان به ازای هر ده هزار نفر جمعیت؛ ۱۹- تعداد پزشکان متخصص به ازای هر ده هزار نفر جمعیت؛ ۲۰- تعداد تخت بیمارستانی به ازای هر ده هزار نفر جمعیت؛ ۲۱- تعداد داروخانه به ازای هر ده هزار نفر جمعیت؛ ۲۲- تعداد دندانپزشکان به ازای هر ده هزار نفر جمعیت؛ ۲۳- درصد مسکن روستایی دارای آب لوله کشی؛ ۲۴- معکوس خانوار به مسکن؛ ۲۵- درصد مسکن روستایی دارای تلفن؛ ۲۶- ارزش افزوده بخش معدن؛ ۲۷- ارزش افزوده بخش کشاورزی؛ ۲۸- تعداد آزمایشگاه به ازای هر ده هزار نفر جمعیت؛ ۲۹- درصد مهاجرین وارد شده به کل جمعیت؛ ۳۰- درصد واحدهای مسکونی دارای گاز.

ب - شاخص‌های جمعیتی: ۱- تراکم جمعیت؛ ۲- درصد جمعیت شهری؛ ۳- نسبت جنسی؛ ۴- گروه‌های عمده سنی؛ ۵- درصد جمعیت فعال؛ ۶- نرخ رشد جمعیت؛ ۷- مهاجرپذیری.

جدول (۲): نرخ رشد جمعیت طی سالهای ۱۳۳۵-۱۳۹۰

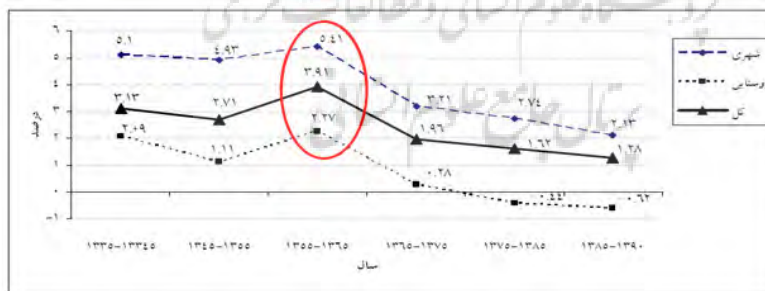
ردیف	۱۳۳۵-۴۵	۱۳۴۵-۵۵	۱۳۵۵-۶۵	۱۳۶۵-۷۵	۱۳۷۵-۸۵	۱۳۸۵-۹۰	۱۳۳۵-۹۰
شهری	۵/۱	۴/۹۳	۵/۴۱	۳/۲۱	۲/۸۴	۲/۱۳	۴/۰۷
روستایی	۲/۰۹	۱/۱۱	۲/۲۷	۰/۲۸	-۰/۴۴	-۰/۶۲	۰/۹۱
کل	۳/۱۳	۲/۷۱	۳/۹۱	۱/۹۶	۱/۶۲	۱/۲۸	۲/۵۳

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰-۱۳۳۵.

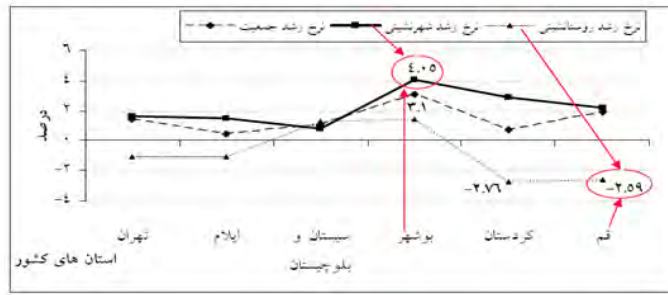
تغییر و تحولاتی نرخ رشد جمعیت در کشور به روشنی نشان می‌دهد که طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۵۵ جمعیت کشور در مناطق روستایی و مناطق شهری تقریباً برابر بوده است و در سال‌های قبل و بعد از آن دچار تغییر و تحولات زیادی شده است (نمودار ۲).

مطالعات نشان می‌دهد میزان جمعیت استان تهران با نرخ رشد ۱/۴ در سال ۱۳۹۰ به ۱۲۱۸۳۳۹۱ نفر افزایش یافته است. این استان با ۹۲/۸ درصد، بعد از استان قم دارای بیشترین میزان شهرنشینی می‌باشد. در مقابل، استان ایلام با نرخ رشد ۰/۳۲ درصد دارای ۵۵۷۵۹۹ نفر جمعیت است که نسبت به سال

۱۳۸۵ دارای ۱/۶ درصد معادل ۱/۶ درصد بوده و به عنوان کم جمعیت‌ترین استان شناخته شده است. در ارتباط با میزان رشد جمعیت شهری، استان بوشهر با نرخ رشد ۴/۰۵ درصد دارای بیشترین میزان رشد شهرنشینی (به دلیل وجود قطب اشتغال در عسلویه) و استان سیستان و بلوچستان با نرخ رشد ۰/۸۲ درصد، کمترین میزان رشد شهرنشینی را تجربه کرده‌اند. تغییر و تحولات شهرنشینی به شدت روستائینی را تحت تاثیر قرار داده و منجر به کاهش شدید جمعیت در مناطق روستایی شده است (به طور مثال، استان قم در جدول و نمودار ۳).



نمودار (۲): نرخ رشد جمعیت طی سالهای ۱۳۳۵-۱۳۹۰ منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۳۵-۹۰.



نمودار (۳): تحولات نرخ رشد شهرنشینی و روستاشینی در استان های کشور ۹۰-۱۳۸۵.

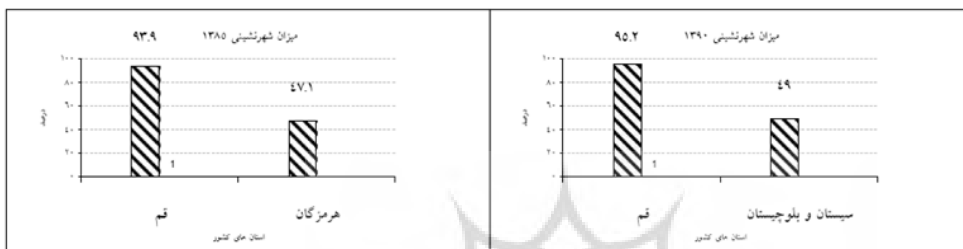
جدول (۳): نرخ رشد جمعیت در استان های کشور طی سال های ۹۰-۱۳۸۵

ردیف	نام استانها	نرخ رشد ۸۵-۹۰			۱۳۹۰			۱۳۸۵		
		روستایی	شهری	کل	روستایی	شهری	کل جمعیت	روستایی	شهری	کل جمعیت
۱	آذربایجان شرقی	-۰.۹۳	۱.۳۶	۰.۶۶	۱۱۴۵۴۴۲	۲۵۷۹۱۷۸	۳۷۲۴۶۲۰	۱۲۰۰۸۲۰	۳۴۰۲۵۳۹	۳۶۰۳۴۵۶
۲	آذربایجان غربی	-۰.۸۲	۲.۲	۱.۴۰	۱۱۴۸۰۳۲	۱۹۳۲۵۴۴	۳۰۸۰۵۷۶	۱۱۴۸۵۰۵	۱۷۲۴۹۵۴	۲۸۷۳۴۵۹
۳	اردبیل	-۲.۵۷	۲.۲۲	۰.۳۲	۴۴۹۵۴۶	۷۹۸۹۴۲	۱۲۴۸۶۸۸	۵۱۲۱۹۵	۷۱۵۵۹۷	۱۲۲۸۱۵۵
۴	اصفهان	-۱.۲۹	۱.۸۷	۱.۳۶	۷۱۰۹۸۹	۴۱۶۸۲۱۹	۶۸۷۹۳۱۲	۷۵۸۱۹۰	۳۷۹۸۱۷۲۸	۴۵۵۹۲۵۶
۵	البرز	-۰.۵۶	۳.۴۶	۳.۰۴	۲۲۸۱۴۲	۲۱۸۴۳۷۱	۲۴۱۲۵۱۳	۲۳۴۷۰۰	۱۸۴۲۲۹۱	۲۰۷۶۹۹۱
۶	ایلام	-۱.۱۰	۱.۵۰	۰.۴۲	۱۹۹۳۲۷	۳۵۶۸۹۶	۵۵۷۵۹۹	۲۱۰۷۰۳	۳۳۱۲۳۱	۵۴۵۷۸۷
۷	بوشهر	۱.۴۴	۴.۰۵	۳.۱	۳۲۵۹۹۳	۷۰۴۳۹۳	۱۰۳۲۹۴۹	۳۰۳۴۰۹	۵۷۷۴۶۵	۸۱۶۲۶۷
۸	تهران	-۱.۰۹	۱.۶۴	۱.۴	۸۷۷۴۳۷	۱۱۳۰۵۸۳۲	۱۲۱۸۳۳۹۱	۹۲۷۲۱۲	۱۰۴۱۸۱۶۳	۱۱۳۴۵۳۷۵
۹	چهارمحال و بختیاری	-۲.۱۰	۳.۳۳	۰.۸۵	۳۷۲۷۴۶	۵۲۱۰۷۱	۸۹۵۲۶۳	۴۱۴۶۲۴	۴۴۲۲۹۸	۸۵۷۹۱۰
۱۰	خراسان جنوبی	-۱.۱۱	۲.۵۷	۰.۸۰	۲۹۱۴۳۵	۳۷۱۰۵۴	۶۶۲۵۳۴	۳۰۸۳۰۵	۳۲۶۶۹۵	۶۳۶۴۲۰
۱۱	خراسان رضوی	-۱.۱۲	۲.۴۹	۱.۳	۱۶۸۲۴۰۵	۴۳۱۱۲۱۰	۵۹۹۴۴۰۲	۱۷۷۹۹۰	۳۸۱۱۹۰۰	۵۵۹۳۰۷۹
۱۲	خراسان شمالی	۰.۲۲	۲.۶۳	۱.۳۴	۴۱۹۰۶۸	۴۴۶۸۷۲	۸۶۷۷۲۷	۴۱۴۳۶۵	۳۹۲۴۵۸	۸۱۱۵۷۲
۱۳	خوزستان	-۱.۲۲	۲.۲۹	۱.۱۷	۱۳۰۱۲۶۸	۳۳۱۸۴۵۱	۴۵۳۱۷۲۰	۱۳۸۳۹۴۶	۲۸۱۳۵۶۴	۴۲۷۴۹۷۹
۱۴	زنجان	-۱.۲۳	۲.۵۶	۱.۰۳	۳۸۰۹۲۵	۶۳۴۸۰۹	۱۰۱۵۳۳۴	۴۰۵۲۶۱	۵۵۹۳۴۰	۹۶۴۶۰۱
۱۵	سمنان	-۰.۵۸	۱.۹۹	۱.۳۶	۱۴۴۸۷۳	۴۸۶۳۴۵	۶۳۱۲۱۸	۱۴۹۱۸۳	۴۴۰۵۵۹	۵۹۹۷۴۲
۱۶	سیستان و بلوچستان	۱.۳۱	-۰.۸۲	۱.۰۴	۱۲۸۸۱۶۰	۱۲۴۳۰۷۹	۲۵۳۴۳۲۷	۱۲۰۶۵۴۷	۱۱۹۳۱۹۸	۲۴۰۵۷۴۲
۱۷	فارس	-۲.۲۲	۳.۲۰	۱.۱۷	۱۴۷۵۳۵۰	۳۱۰۶۷۳۲	۴۵۹۶۶۵۸	۱۶۵۰۶۱۴	۲۶۵۲۹۴۷	۴۳۳۶۸۸۷
۱۸	قزوین	-۲.۴۳	۲.۴۵	۱	۳۲۲۷۸۷	۸۷۸۲۴۱	۱۲۰۱۵۶۵	۳۶۵۲۰۳	۷۷۷۹۷۵	۱۱۴۳۲۰۰
۱۹	قم	-۲.۵۹	۲.۱۹	۱.۹۲	۵۵۷۹۸	۱۰۹۵۸۱۷۱	۱۱۵۱۶۷۲	۶۳۶۳۹	۹۸۳۰۹۴	۱۰۴۶۷۳۷
۲۰	کردستان	-۲.۸۶	۲.۸۶	۰.۸۳	۵۰۷۷۷۱	۹۸۵۸۱۴	۱۴۹۳۴۵۵	۵۸۴۳۳۷	۸۵۵۸۱۹	۱۴۴۰۱۵۶
۲۱	کرمان	۲.۶۵	۱.۷۰	۲.۰۷	۱۲۴۲۳۴۴	۱۶۸۹۸۴۲	۲۹۳۸۹۸۸	۱۰۸۹۷۴۸	۱۵۵۲۵۱۹	۲۶۵۲۴۱۳
۲۲	کرمانشاه	-۱.۰۵	۱.۵۴	۰.۶۹	۵۸۶۶۲۱	۱۳۵۵۰۹۴	۱۹۴۵۲۲۷	۶۱۸۷۱۸	۱۲۵۵۳۱۹	۱۸۷۹۳۸۵
۲۳	کهگیلویه و بویراحمد	-۱.۲۰	۲.۸۸	۰.۸۵	۳۱۰۵۱۸	۳۴۶۶۲۶	۶۵۸۶۲۹	۳۲۹۸۴۹	۳۰۲۱۹۲	۶۳۴۲۹۹
۲۴	گلستان	۱.۲۰	۲.۶۴	۱.۹	۸۷۰۰۶۸	۹۰۶۱۸۲	۱۷۷۷۰۱۴	۸۱۹۵۸۴	۷۹۵۱۲۶	۱۶۱۷۰۸۷
۲۵	گیلان	-۲.۳۷	۲.۹۳	۰.۶۲	۹۸۳۷۰۱	۱۴۹۷۱۷۰	۲۴۸۰۸۷۴	۱۱۰۹۱۰۴	۱۲۹۵۷۵۱	۲۴۰۴۸۶۱
۲۶	لرستان	-۰.۴۰	۱.۰۷	۰.۶۳	۶۷۷۴۱۶	۱۰۷۵۹۵۱	۱۷۵۴۲۴۳	۶۹۱۴۴۸	۱۰۲۰۱۵۰	۱۷۱۶۵۲۷
۲۷	مازندران	۰.۳۴	۱.۵۹	۱.۰۱	۱۳۹۱۷۸۶	۱۶۸۲۱۵۲	۳۰۷۳۹۴۳	۱۳۶۸۲۳۳	۱۵۵۴۱۴۳	۲۹۲۲۴۳۲
۲۸	مرکزی	-۲.۵۲	۲.۳۱	۰.۹۱	۳۶۸۹۵۸	۱۰۴۵۰۰۱	۱۴۱۳۹۵۹	۴۱۹۱۸۴	۹۳۲۰۷۳	۱۳۵۱۲۵۷
۲۹	هرمزگان	۱.۲۰	۳.۵۷	۲.۳۷	۷۸۶۳۷۹	۷۸۸۴۷۱	۱۵۷۸۱۸۳	۷۴۰۶۰۵	۶۶۱۳۲۵	۱۴۰۳۶۷۴
۳۰	همدان	-۰.۱۲	۱.۱۹	۰.۶۳	۷۱۶۶۶۹	۱۰۴۰۶۰۵	۱۷۵۸۲۶۸	۷۲۱۲۲۵	۹۸۰۷۷۱	۱۷۰۳۲۶۷
۳۱	یزد	-۱.۶۶	۲.۴۰	۱.۶	۱۸۴۸۲۹	۸۸۹۵۸۳	۱۰۷۴۴۲۸	۲۰۰۹۸۸	۷۸۹۸۰۳	۹۹۰۸۱۸
۳۲	کل	-۰.۶۲	۲.۱۳	۱.۲۸	۲۱۴۴۶۷۸۳	۵۳۶۴۶۶۶۱	۷۵۱۴۹۶۶۹	۲۲۱۳۱۱۰۱	۴۸۲۵۹۹۶۴	۷۰۴۹۵۷۸۲

منبع: مرکز آمار ایران، ۹۰-۱۳۸۵.

بررسی شاخص‌های جمعیتی نشان می‌دهند استان تهران دارای بیشترین تراکم جمعیت می‌باشد به گونه‌ای که از ۸۲۹ نفر در هر هکتار در سال ۱۳۸۵ به ۸۹۰ نفر در هر هکتار افزایش یافته است همچنین استان سمنان نیز دارای کمترین میزان تراکم جمعیت در هر هکتار بوده است (نفر نفر در هر هکتار طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۵). بیشترین نسبت جنسی در استان بوشهر با ۱۱۹ نفر به خاطر تجمع مردان کارگر در عسلویه و کمترین آن ۹۹ نفر در خراسان شمالی و گیلان شناسایی شده است البته استان بوشهر در سال ۱۳۸۵ نیز دارای بالاترین میزان نسبت جنسی بوده است. از دیگر شاخص‌های جمعیتی، شاخص شهرنشینی است. با توجه به این که تعداد شهرها با یک روند

صعودی در حال افزایش بوده و در سال ۱۳۹۰ به ۱۳۳۱ شهر افزایش یافته و همچنین وجود ۸ کلانشهر با جمعیت بالای یک میلیون نفر مانند تهران، مشهد، کرج، اصفهان، تبریز، شیراز، قم در کشور، می‌توان به طور وضوح افزایش شهرنشینی را در استان‌های کشور مشاهده نمود. بر همین استان استان قم در سال ۱۳۸۵ با ۹۳/۹ درصد بالاترین میزان شهرنشینی و استان هرمزگان با ۴۷/۱ درصد کمترین میزان شهرنشینی را دارا هستند که طی گذشت ۵ سال یعنی در سال ۱۳۹۰ همچنان استان قم با ۹۵/۲ درصد دارای بیشترین میزان افراد شهرنشین و استان سیستان و بلوچستان با ۴۹ درصد کمترین میزان شهرنشینی را دارند (نمودار ۴).



نمودار (۴): میزان شهرنشینی در استان‌های کشور ۱۳۸۵-۱۳۹۰.

با گسترش پدیده شهرنشینی و جاذبه‌های همراه با آن، مهاجرت‌های توده‌ای از مناطق روستایی به سمت شهرها افزایش می‌یابد و این مهاجرین به عنوان نیروی کار در بدنه شهر جذب می‌شوند به گونه‌ای که این پدیده، شاخص بارتکفل را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد. از آن جایی که استان تهران به عنوان بزرگترین کلانشهر کشور پذیرای تعداد زیادی از این مهاجرین می‌باشد میزان بارتکفل در این استان به مراتب کمتر از سایر استان‌های کشور است به گونه‌ای که طی سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ این استان به ترتیب با ۳۵/۷ و ۳۵/۱ درصد دارای کمترین میزان بارتکفل و استان سیستان و بلوچستان طی این دوره‌ها به ترتیب با ۷۱/۸ و ۶۹ درصد بیشترین میزان بارتکفل را دارا هستند. شاخص دیگر جمعیت، نرخ فعالیت می‌باشد که شاخص مهمی در تعیین میزان اشتغال و

بیکاری می‌باشد. از آن جایی که این شاخص از تقسیم میزان جمعیت فعال بر جمعیت ۱۰ سال به بالای کشور به دست می‌آید تغییر و تحولات این نرخ می‌تواند به شناسایی مسائل اقتصادی و اجتماعی جامعه کمک کند. در ارتباط با نرخ فعالیت در سال ۱۳۸۵ استان آذربایجان شرقی با ۴۸/۶ بیشترین میزان و استان هرمزگان با ۳۱/۸ کمترین میزان را دارا هستند. از سال ۱۳۸۵ روند تغییرات و مسائل و مشکلات موجود در شاخص‌های اقتصادی که منجر به افزایش بیکاری گردید، نرخ فعالیت را دگرگون کرد به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۰ استان اصفهان با ۴۲/۵ بالاترین میزان و استان سیستان و بلوچستان با ۲۶/۱ کمترین میزان نرخ فعالیت را دارند که این کاهش نرخ فعالیت به شدت عوامل توسعه را تحت تاثیر قرار می‌دهند (جدول ۴).

جدول (۴): شاخص‌های جمعیتی استان‌های کشور ۱۳۹۰-۱۳۸۵.

نرخ فعالیت		بار تکفل		نسبت جنسی		تراکم جمعیت		نام استانها
۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	
۳۹/۸	۴۸/۶	۴۱/۴	۴۱/۶	۱۰۲	۱۰۴	۸۲	۷۹	آذربایجان شرقی
۴۱/۹	۴۱/۲	۴۴/۳	۴۸/۲	۱۰۲	۱۰۳	۸۲	۷۷	آذربایجان غربی
۴۲/۵	۴۳/۸	۴۱/۴	۴۶/۶	۱۰۳	۱۰۱	۷۰	۶۹	اردبیل
۳۹/۶	۴۳/۱	۳۷/۹	۳۸/۶	۱۰۳	۱۰۵	۴۶	۴۲	اصفهان
۳۸	-	۳۵/۱	-	۱۰۳	۱۰۶	۴۷۱	۴۰۶	البرز
۳۶/۹	۳۷/۵	۳۷/۱	۴۲/۶	۱۰۳	۱۰۴	۲۸	۲۷	ایلام
۳۴/۱	۳۶/۴	۳۸/۸	۴۲/۳	۱۱۹	۱۱۲	۴۵	۳۹	بوشهر
۳۶	۴۰/۶	۳۵/۱	۳۵/۷	۱۰۲	۱۰۶	۸۹۰	۸۲۹	تهران
۳۶/۷	۳۷/۵	۴۲/۶	۴۷/۵	۱۰۲	۱۰۱	۵۵	۵۲	چهارمحال و بختیاری
۳۸/۱	۴۴/۷	۵۲/۸	۵۵/۲	۱۰۱	۱۰۳	۷	۷	خراسان جنوبی
۳۶/۵	۴۰/۵	۴۵/۸	۴۷/۷	۱۰۰	۱۰۱	۵۰	۴۴	خراسان رضوی
۳۷/۸	۳۵/۱	۴۷/۷	۵۲/۱	۹۹	۹۸	۳۱	۲۹	خراسان شمالی
۳۳/۷	۳۶/۴	۴۲/۸	۴۷/۸	۱۰۲	۱۰۵	۷۱	۶۷	خوزستان
۴۱/۶	۴۶	۴۱/۳	۴۵/۴	۱۰۱	۱۰۰	۴۷	۴۴	زنجان
۳۳/۹	۳۶/۹	۳۹/۳	۴۰/۱	۱۰۲	۱۰۵	۶	۶	سمنان
۲۶/۱	۳۸/۱	۶۹	۷۱/۸	۱۰۰	۱۰۳	۱۴	۱۳	سیستان و بلوچستان
۳۷/۳	۳۸/۱	۳۸/۶	۴۱	۱۰۲	۱۰۳	۳۷	۳۵	فارس
۳۹/۸	۳۷/۸	۳۹/۲	۴۱/۶	۱۰۳	۱۰۴	۷۷	۷۴	قزوین
۳۴/۵	۳۶/۲	۴۲/۲	۴۴/۷	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۰	۹۰	قم
۳۹/۹	۳۹/۱	۴۰/۵	۴۶	۱۰۱	۱۰۳	۵۱	۴۹	کردستان
۳۴/۳	۴۱/۷	۴۶	۴۹/۳	۱۰۲	۱۰۴	۱۶	۱۵	کرمان
۳۳/۲	۳۵/۹	۳۷/۱	۴۲/۲	۱۰۲	۱۰۴	۷۸	۷۵	کرمانشاه
۳۰/۲	۳۴/۳	۴۴/۷	۴۹/۷	۱۰۰	۱۰۲	۴۲	۴۱	کهگیلویه و بویراحمد
۳۸/۶	۴۲/۲	۴۲/۵	۴۵/۹	۱۰۰	۹۹	۸۷	۸۰	گلستان
۳۸/۸	۴۳	۳۶/۴	۳۹/۹	۹۹	۹۹	۱۷۷	۱۷۱	گیلان
۳۷	۳۷/۸	۴۰/۷	۴۵/۶	۱۰۲	۱۰۴	۶۲	۶۱	لرستان
۳۹/۱	۴۱/۷	۳۵/۷	۳۷/۵	۱۰۱	۱۰۱	۱۲۹	۱۲۳	مازندران
۳۶/۹	۳۸/۶	۴۰/۵	۴۲/۹	۱۰۲	۱۰۲	۴۹	۴۶	مرکزی
۳۲/۸	۳۱/۸	۴۹	۵۳/۸	۱۰۴	۱۰۷	۲۲	۲۰	هرمزگان
۳۷/۹	۴۱/۵	۳۹/۷	۴۳/۶	۱۰۱	۱۰۱	۹۱	۸۸	همدان
۳۵/۶	۴۴/۳	۴۴/۹	۴۳/۱	۱۰۶	۱۰۹	۸	۸	یزد
۳۶/۹	۴۰/۴	۴۱	۴۳/۴	۱۰۲	۱۰۴	۴۶	۴۳	کل

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰-۱۳۸۵.

سواد و باسوادی در راستای تحول و توسعه جوامع نقش تعیین کننده‌ای دارد بنابراین نه تنها تامین کننده کارایی جوامع بلکه هر گونه تغییر و تحول وضعیت سواد، اثرات خود را روی ابعاد مختلف جمعیتی بر جای خواهد گذاشت چرا که نقش سطح سواد و فرهنگ، عامل انسانی در فرآیند تولید است که بالا بردن سطح آن در راستای استفاده بهینه (کم هزینه، پردرآمد) عوامل انسانی، مستلزم تبدیل آن به سرمایه انسانی است که دستیابی به آن جز از طریق سرمایه‌گذاری بر روی سواد امکان‌پذیر نیست. بررسی وضعیت سواد در استان‌های کشور نشان می‌دهد در سال ۱۳۸۵ در حدود ۸۴/۶۱ درصد از جمعیت کشور باسواد بوده‌اند که این میزان در سال ۱۳۹۰ به ۸۶/۳ درصد افزایش یافته است. در سال ۱۳۹۰، استان تهران با ۹۳/۶۴ درصد بالاترین میزان و استان سیستان و بلوچستان با ۷۳/۲ درصد کمترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۵).

جدول (۵): شاخص‌های جمعیتی استان‌های کشور ۱۳۹۰-۱۳۸۵.

نام استانها	میزان باسواد		میزان مهاجرین وارد شده ۱۳۸۵-۹۰	میزان شهرنشینی	
	۱۳۸۵	۱۳۹۰		۱۳۸۵	۱۳۹۰
آذربایجان شرقی	۸۱/۵۶	۸۳/۵	۲۰۹۱۹۸	۶۶/۷	۶۹/۲
آذربایجان غربی	۷۷/۷۷	۸۰/۴	۱۷۷۵۳۹	۶۰	۶۲/۷
اردبیل	۸۰/۰۵	۸۱/۸	۷۰۹۰۶	۵۸/۳	۶۴
اصفهان	۸۷/۵۳	۸۹/۹	۳۷۷۰۹۷	۸۳/۳	۸۵/۴
البرز	-	۹۰/۸	۳۰۳۸۵۰	۸۸/۷	۹۰/۵
ایلام	۸۱/۹۰	۸۵/۲	۴۲۷۵۹	۶۰/۷	۶۴
بوشهر	۸۶/۴۳	۸۷/۲	۱۲۴۴۵۸	۶۵/۲	۶۸/۲
تهران	۹۱/۲۷	۹۳/۶۴	۹۷۸۸۱۱	۹۱/۸	۹۲/۸
چهارمحال و بختیاری	۸۲/۵۲	۸۶	۵۴۱۹۶	۵۱/۵	۵۸/۲
خراسان جنوبی	۸۱/۱۱	۸۲/۴	۸۴۶۹۲	۵۱/۳	۵۶
خراسان رضوی	۸۶/۱۸	۸۸/۳	۴۰۷۶۸۰	۶۸/۱	۷۱/۹
خراسان شمالی	۷۹/۱۳	۸۲/۵	۸۱۷۵۴	۴۸/۴	۵۱/۵
خوزستان	۸۳/۶۲	۸۶/۸	۲۴۲۱۸۱	۶۷/۲	۷۱
زنجان	۸۱/۷۲	۸۲/۶	۷۵۵۳۶	۵۸	۶۲/۵
سمنان	۸۸/۶۰	۹۰/۷	۷۲۰۹۸	۷۴/۷	۷۷
سیستان و بلوچستان	۶۸/۰۱	۷۳/۲	۱۰۰۴۵۳	۴۹/۶	۴۹
فارس	۸۶/۶۴	۸۸/۹	۳۶۴۳۹۶	۶۱/۲	۶۲/۶
قزوین	۸۵/۸۹	۸۷/۷	۸۹۱۶۸	۶۸/۱	۷۳/۱
قم	۸۶/۱۲	۸۹/۴	۶۸۲۰۲	۹۳/۹	۹۵/۲
کردستان	۷۷/۴۸	۷۹/۱	۱۳۱۵۶۸	۵۹/۴	۶۶
کرمان	۸۲/۸۱	۸۴/۶	۱۶۸۵۵۱	۵۸/۵	۵۷/۵
کرمانشاه	۸۲/۱۳	۸۳/۴۱	۱۱۳۶۱۲	۶۶/۸	۶۹/۷
کهگیلویه و بویراحمد	۸۱/۶۱	۸۳/۲	۶۵۱۷۵	۴۷/۶	۵۲/۶
گلستان	۸۲/۰۸	۸۴/۹	۱۵۱۱۷۸	۴۹/۲	۵۱
گیلان	۸۳/۱۰	۸۵/۶	۲۲۷۱۸۵	۵۳/۹	۶۰/۳
لرستان	۸۱/۰۹	۸۲/۳۲	۷۲۰۶۲	۵۹/۴	۶۱/۳
مازندران	۸۵/۰۱	۸۷/۹	۲۳۶۳۸۲	۵۳/۲	۵۴/۷
مرکزی	۸۳/۹۲	۸۶/۶	۱۱۰۴۶۵	۶۹	۷۳/۹
هرمزگان	۸۲/۳۸	۸۵/۵	۱۲۰۹۷۶	۴۷/۱	۵۰
همدان	۸۲/۶۳	۸۵/۷	۱۰۹۲۰۲	۵۷/۶	۵۹/۲
یزد	۸۸/۰۷	۸۹/۲	۱۰۳۳۳۶	۷۹/۷	۸۲/۸
کل	۸۴/۶۱	۸۶/۳	۵۵۳۴۶۶۶	۶۸/۵	۷۱/۴

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰-۱۳۸۵.

شاخص مهاجرت نیز از عوامل اصلی تغییر و تحول جمعیت و مهمترین عامل خارجی تغییر تعداد و ساخت جمعیت می‌باشد (موسوی، باقری کشکولی، ۱۳۹۱: ۱۹۱). با تغییر تعداد و ساخت جمعیت بر اساس میزان مهاجرین وارد شده، تعادل توسعه مناطق نیز از بین می‌رود و دستیابی به توسعه دشوارتر می‌گردد. بررسی میزان مهاجرت نشان می‌دهد استان تهران طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ با تعداد ۹۷۸۸۱۱ نفر (۱۷/۶ درصد از کل مهاجران وارد شده به استان‌های کشور)، مهاجرپذیرترین

استان و استان کهگیلویه و بویراحمد با ۶۵۱۷۵ نفر کمترین میزان مهاجرت‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. استان‌های خراسان رضوی، اصفهان، فارس و البرز به ترتیب با ۶/۸، ۶/۵ و ۵/۴ درصد از کل مهاجران وارد شده به استان‌های کشور بعد از تهران در رده‌های بعدی قرار دارند.

۲-۳- تحلیل سطوح توسعه یافتگی استان‌های کشور
بررسی‌های تطبیقی استانهای کشور در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و .. می‌تواند برنامه‌ریزان را در

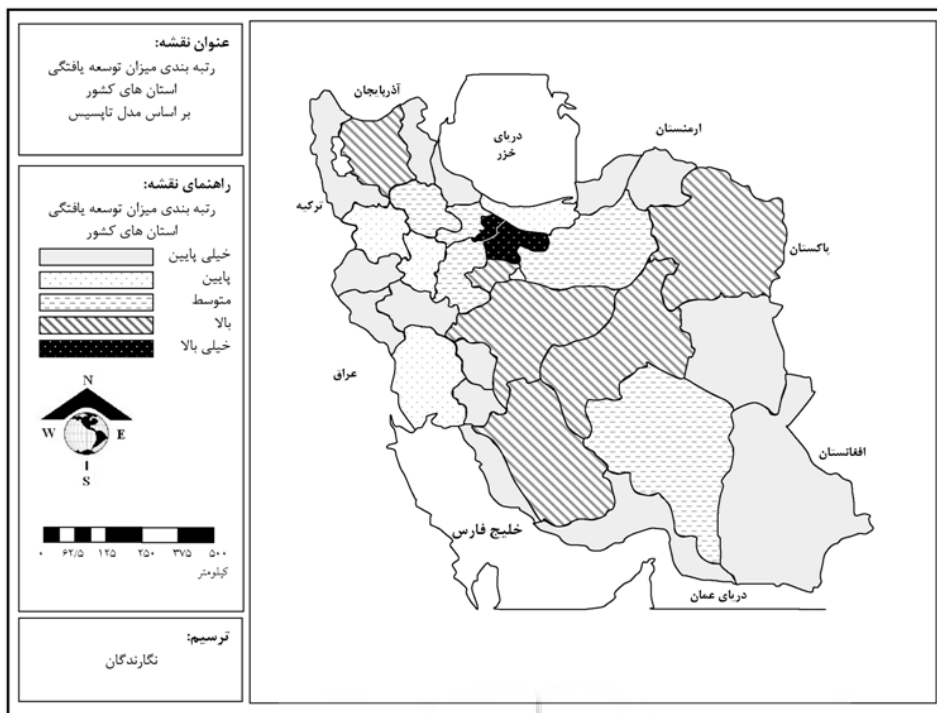
و تفاوت‌های زندگی بین ناحیه‌های بایستی به حداقل برسد در غیر این صورت و با توسعه متمرکز و برنامه ریزی‌های از بالا به پایین مناطق و استان‌هایی که فاصله نزدیکی را با قطب رشد داشته باشند به توسعه بالاتری دست خواهند یافت و مناطق پیرامونی هر روز عقب مانده‌تر خواهند شد. استان البرز در فاصله نزدیک با استان تهران نمونه بارز چنین توسعه‌ای می‌باشد. نتایج این تکنیک، استان‌های کشور را به پنج دسته از لحاظ میزان توسعه یافتگی تقسیم کرد: دسته اول، که در گروه استان‌های توسعه یافته در سطح خیلی بالا قرار گرفتند، شامل استان‌های تهران و البرز بود. استان‌های در سطح توسعه بالا در این بخش شامل استان‌های اصفهان، خراسان رضوی، فارس، قم، آذربایجان شرقی، یزد می‌باشند. یافته‌های تحلیلی وضعیت توسعه یافتگی این استان‌ها در سطح بالا نشان می‌دهد عوامل توسعه یافتگی هر یک از آنها تقریباً شبیه به هم بوده است اولاً این استان‌ها به عنوان قطب‌های صنعتی کشور به شمار می‌روند ثانیاً به جز استان یزد بقیه استان‌ها به عنوان استان‌های توریست‌پذیر می‌باشند و همچنین اکثر مراکز علمی و آموزشی را در خود جای داده‌اند. لازم به ذکر است استان آذربایجان شرقی به عنوان تنها استان مرزی کشور می‌باشد که در سطح توسعه بالا قرار گرفته است که دلیل آن هم وجود شهر تبریز که دارای زمینه‌های تاریخی، سیاسی، فرهنگی و صنعتی در کشور می‌باشد است.

تصمیم‌گیری‌ها و اجرای برنامه‌های مناسب در جهت کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، یاری رسانند. مسلماً شناسایی مناطق توسعه یافته و توسعه نیافته یکی از اهداف عمده برنامه‌ریزی جهت کاهش دوگانگی منطقه‌ای خواهد بود. برای دستیابی به نابرابری‌های منطقه‌ای میان استان‌های کشور، با بکار بردن ۴۰ شاخص اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، صنعتی و زیر بنایی و بهره‌گیری از روش وزن دهی آنتروپی (اکبری و زاهدی کیوان، ۱۳۸۷: ۴۹-۴۶) و مدل تاپسیس (اصغر پور، ۱۳۸۷: ۲۶۶-۲۶۰)، استان‌های کشور از لحاظ سطوح توسعه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برابر بررسی‌های صورت گرفته، استان تهران و البرز با میزان‌های توسعه به ترتیب ۰/۹۸۶۱ و ۰/۹۸۲۴ به عنوان توسعه یافته‌ترین استان‌ها و استان سیستان و بلوچستان با میزان توسعه ۰/۰۰۶۹ به عنوان محروم‌ترین استان شناخته شدند (جدول ۶). امروزه اقتصاددانان طرفدار رشد متوازن در مناطق مختلف کشور، اعتقاد دارند که نظریه‌ی قطب رشد پویا نه تنها در کاهش و رفع نابرابری‌های منطقه‌ای کشورهای توسعه نیافته موفقیت آمیز نبوده، بلکه باعث تشدید آن نیز شده است. به همین خاطر است که ضرورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای صحیح به منظور رسیدن به توسعه‌ی متوازن تاکید می‌شود. تقسیم یک استان و تبدیل به استان دیگر به سیاست برنامه‌ریزی متمرکز جوابگوی توسعه مناطق نخواهد بود زیرا هدف از توسعه‌ی متعادل باید ایجاد بهترین شرایط و امکانات برای توسعه‌ی جامعه در همه‌ی نواحی باشد

جدول (۶): تعیین سطوح توسعه یافتگی استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های توسعه ۱۳۹۰.

نام استانها	میزان تاپسیس	سطح توسعه	نام استانها	میزان تاپسیس	سطح توسعه
تهران	۰/۹۸۶۱	خیلی بالا	خوزستان	۰/۰۸۰۲	پایین
البرز	۰/۹۷۲۴		کرمانشاه	۰/۰۶۶۴	
اصفهان	۰/۵۳۸۱	بالا	گلستان	۰/۰۶۳۱	خیلی پایین
خراسان رضوی	۰/۵۰۲۹		لرستان	۰/۰۶۰۱	
فارس	۰/۴۵۳۳		گیلان	۰/۰۴۵۴	
قم	۰/۴۲۷۶		بوشهر	۰/۰۴۲۱	
آذربایجان شرقی	۰/۴۲۵۸		چهارمحال بختیاری	۰/۰۴۰۹	
یزد	۰/۴۱۶۷		آذربایجان غربی	۰/۰۳۸۴	
کرمان	۰/۳۰۶۴		اردبیل	۰/۰۳۳۴	
مرکزی	۰/۳۰۱۲		کردستان	۰/۰۳۱۹	
سمنان	۰/۳۰۰۱		کهگیلویه و بویراحمد	۰/۰۲۷۶	
زنجان	۰/۲۹۸۷		خراسان شمالی	۰/۰۱۸۴	
قزوین	۰/۲۸۷۴	هرمزگان	۰/۰۱۴۷		
مازندران	۰/۰۸۲۴	خراسان جنوبی	۰/۰۱۲۶		
همدان	۰/۰۸۱۲	ایلام	۰/۰۱۰۸		
		سیستان و بلوچستان	۰/۰۰۶۹		

منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۰



نقشه (۲): رتبه بندی میزان توسعه یافتگی استان‌های کشور بر اساس مدل تاپیس

ارتباط شاخص‌های جمعیتی و میزان توسعه یافتگی در استان‌های کشور

برای بررسی ارتباط بین شاخص‌های جمعیت و میزان توسعه یافتگی استان‌های کشور از ضریب رگرسیون استفاده شده است. در جدول (۷) ضریب همبستگی چندگانه که با علامت R نشان داده شده است برابر با ۰/۹۰۱ می‌باشد. این ضریب رابطه بین شاخص‌های جمعیتی و میزان توسعه یافتگی استان‌های کشور را تایید می‌نماید. یعنی به ازای بهبود شاخص‌های جمعیتی در استان‌های کشور، میزان توسعه یافتگی استان‌ها نیز افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر افزایش میزان باسوادی، نرخ فعالیت، نسبت جنسی، میزان شهرنشینی و .. موجب بالا رفتن توسعه و بالا رفتن شاخص‌های توسعه یافتگی استان‌های کشور می‌گردد.

استان‌های کرمان، مرکزی، سمنان، زنجان و قزوین در سطح سوم توسعه یعنی سطح متوسط قرار گرفته‌اند. استان‌های کرمان و سمنان به جهت فاصله با مرکز نتوانسته‌اند به سطح توسعه مطلوب برسند ولی استان‌های مرکزی، قزوین و زنجان قابلیت قرارگیری در سطح توسعه بالا را در سال‌های آینده خواهند داشت. در سطح توسعه پایین و خیلی پایین، ۱۸ استان قرار دارند که استان‌های سیستان و بلوچستان، ایلام و خراسان جنوبی در پایین‌ترین سطح توسعه قرار گرفته‌اند که این استان‌ها به عنوان استان‌های مرزی و همچنین داشتن فاصله از مرکز و شرایط و محدودیت‌هایی که مرز برای آنها ایجاد کرده‌اند در این سطح از توسعه قرار گرفته‌اند. بعضی از استان‌های کشور مانند خوزستان، بوشهر نیز در آینده به دلیل وجود پتانسیل‌های عظیم صنعتی از استان‌های در سطح توسعه پایین فصله خواهند گرفت (نقشه ۲).

جدول (۷): آماره‌های تعیین رگرسیون بین شاخص‌های جمعیتی و میزان توسعه یافتگی استان‌های کشور.

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین تعدیل شده	خطای معیار
۱	۰/۹۰۱	۰/۸۱۲	۰/۷۶۵	۰/۱۲۹

منبع: محاسبات نگارندگان

در جدول فوق ضریب تبیین ۰/۷۶۵ بوده است. مقدار تبیین نشان می‌دهد که ۷۶/۵ درصد از تغییرات و توسعه یافتگی استان‌های کشور ناشی از شاخص‌های جمعیتی (تراکم جمعیت، میزان شهرنشینی، نرخ فعالیت، بار تکفل، میزان باسوادی، میزان مهاجرین وارد شده و نسبت جنسی است. یعنی افزایش شاخص‌های جمعیتی ۷۶/۵ درصد بر میزان توسعه یافتگی استان‌های کشور تأثیر می‌گذارد، بقیه ناشی از عوامل دیگر بوده است. در جدول (۸) مقدار F محاسبه شده است که در سطح ۹۹ درصد (Sig: ۰/۰۰۰) معنی دار بودن رابطه دو متغیر را تایید می‌نماید.

جدول (۸): تحلیل واریانس و رگرسیون خطی بین شاخص‌های جمعیتی و میزان توسعه یافتگی استان‌های کشور

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
اثر رگرسیون	۱/۸۲۴	۶	۰/۲۸۷	۱۷/۲۳۵	۰/۰۰۰
باقی مانده	۰/۴۰۰	۲۴	۰/۰۱۷		
کل	۲/۱۲۴	۳۰	-		

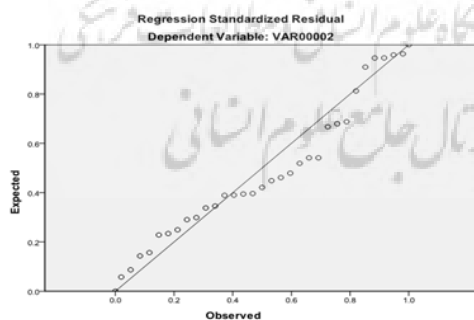
منبع: محاسبات نگارندگان

جدول (۹): آماره‌های متغیرهای وارد بر مدل رگرسیونی.

Sig	t	ضریب غیر استاندارد		نام متغیر
		خطای B	ضریب استاندارد β	
۰/۰۷۷	-۱/۸۴۶	۱/۳۷۸	-	عرض از مبدا
۰/۰۰۳	۳/۲۴۳	۰/۰۰۰	۰/۳۵۰	تراکم جمعیت
۰/۲۲۵	-۱/۲۴۵	۰/۰۰۸	۰/۱۲۱	نسبت جنسی
۰/۰۴۷	۲/۰۹۸	۰/۰۰۶	۰/۳۰۹	بار تکفل
۰/۲۹۴	۱/۰۷۳	۰/۰۰۹	۰/۱۲۲	نرخ فعالیت
۰/۰۲۳	۲/۴۳۰	۰/۰۱۰	۰/۳۶۴	میزان باسوادی
۰/۰۰۰	۴/۱۰۰	۰/۰۰۳	۰/۵۳۵	میزان شهرنشینی

منبع: محاسبات نگارندگان.

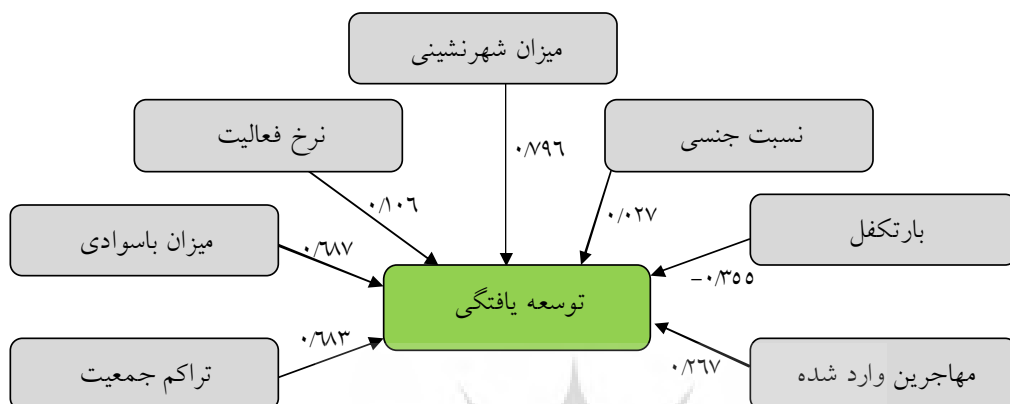
نمودار باقیمانده رگرسیون استاندارد به روشنی تأثیر گذاری شاخص‌های جمعیتی بر میزان توسعه یافتگی استان‌های کشور را نشان می‌دهد (نمودار ۵).



نمودار (۵): رابطه بین شاخص‌های جمعیتی و شاخص‌های توسعه در استان‌های کشور

تأثیرگذار نیستند. بنابراین با استفاده از مدل تحلیل مسیر، تأثیرات شاخص‌های مختلف جمعیتی بر توسعه یافتگی استان‌های کشور مورد بررسی قرار گرفت. این روش به عنوان تکنیکی برای توضیح یک سیستم ارتباطی بین متغیرها است (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۴۳). تحلیل مسیر عوامل موثر بر میزان توسعه یافتگی استان‌های کشور به شرح زیر است.

در نتیجه می‌توان گفت شاخص‌های مختلف جمعیتی مورد مطالعه در میزان توسعه یافتگی استان‌های کشور تأثیرگذار می‌باشند به گونه‌ای که با برنامه ریزی منطقه‌ای و بهبود این شاخص‌ها به میزان زیادی می‌توان مشکلات و نارسایی‌های موجود در برنامه ریزی متمرکز را حل نمود و توسعه یافتگی استان‌های کشور را بهبود داد. علاوه بر این هر کدام از این شاخص‌ها به یک میزان بر توسعه یافتگی استان‌های کشور



نمودار (۶): تحلیل مسیر شاخص‌های جمعیت و توسعه در استان‌های کشور.

جمعیت هماهنگ کننده سیستم جمعیتی و محیط بیرونی است، این به بدان معنی است که اندازه جمعیت با توسعه اجتماعی و اقتصادی و زیست محیطی هماهنگ باشد، هنگامی که این شرایط، مخصوصاً با توسعه سریع علم و تکنولوژی تغییر می‌یابد رابطه جمعیت و محیط و اقتصاد و غیره نیز تغییر یافته و شرایط دیگری ایجاد می‌شود. این پژوهش با بررسی ارتباط بین شاخص‌های جمعیت و توسعه در استان‌های کشور نشان می‌دهد استان‌های مرکزی و نزدیک به کلانشهر تهران از بیشترین میزان توسعه برخوردار گشته‌اند و استان‌های پیرامونی در اکثر شاخص‌های توسعه دچار مشکلات عدیده‌ای شده‌اند. با بررسی شاخص‌های جمعیتی و ارتباط آن با توسعه یافتگی استان‌ها روشن گردید در میزان برخورداری از شاخص‌های توسعه در بین استان‌های کشور اختلاف و نابرابری زیادی وجود دارد. مطالعات جمعیتی نشان داد هرگاه یک منطقه به عنوان یک قطب تولید و صنعت معرفی گردیده و سرمایه گذاری در آن شکل گرفته است به همان میزان شاخص‌های

بررسی تحلیل مسیر میزان تأثیرگذاری شاخص‌های جمعیتی بر میزان توسعه استان‌های کشور نشان می‌دهد شاخص میزان باسوادی با ضریب ۰/۶۸۷ بیشترین تأثیر و میزان بارتکفل با ضریب -۰/۳۵۵ کمترین تأثیر به عبارتی دیگر تأثیر منفی بر روند توسعه یافتگی استان‌های کشور داشته است (نمودار ۶). در ارتباط با میزان شهرنشینی و تراکم جمعیت به عنوان شاخص‌های تأثیرگذار بر روند توسعه در رده‌های بعدی باید گفت توسعه شهرنشینی، منجر به ایجاد خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها در توسعه و تراکم جمعیت نیز (البته متناسب با توزیع عادلانه خدمات و امکانات) منجر به به کارگیری این خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها در روند توسعه استان‌های کشور خواهد شد و در نتیجه روند توسعه یافتگی استان‌ها را تسریع خواهد کرد.

بحث و نتیجه گیری

مهم‌ترین عوامل در توسعه متعادل جمعیت، تعادل دینامیکی تمامی عوامل در سیستم جمعیتی و همچنین توسعه متعادل

توسعه بهبود یافته‌اند. سرمایه‌گذاری‌های کلان کشور در استان بوشهر این فرضیه را تایید می‌کند به گونه‌ای که در این استان نرخ رشد جمعیت نسبت به سال ۱۳۸۵ با رشدی برابر با ۳/۱ درصد افزایش یافته و جمعیت از ۸۸۶۲۶۷ نفر به ۱۰۳۲۹۴۹ نفر در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است این امر هرچند به واسطه نیروی کار فعال در منطقه عسلیویه به وجود آمده اما تبعات آن می‌تواند منجر به سرمایه‌گذاری در انواع طرح‌های توسعه در این استان گردد. محاسبات ضریب رگرسیون خطی در مقدار تبیین نشان می‌دهد که ۷۶/۵ درصد از تغییرات و توسعه یافتگی استان‌های کشور ناشی از شاخص‌های جمعیتی (تراکم جمعیت، میزان شهرنشینی، نرخ فعالیت، بارتکفل، میزان باسوادی، میزان مهاجرین وارد شده و نسبت جنسی است. یعنی افزایش شاخص‌های جمعیتی ۷۶/۵ درصد بر میزان توسعه یافتگی استان‌های کشور تاثیر می‌گذارد. همچنین تجزیه و تحلیل مسیر نشان می‌دهد شاخص میزان باسوادی با ضریب ۰/۶۸۷ بیشترین تاثیر و میزان بارتکفل با ضریب ۰/۳۵۵ - کمترین تاثیر به عبارتی دیگر تاثیر منفی بر روند توسعه یافتگی استان‌های کشور داشته است. بر اساس مطالعات انجام شده می‌توان استان‌های کشور را در سه سطح برخوردار، نیمه برخوردار و محروم طبقه‌بندی کرد که به ترتیب استان‌های تهران، البرز و اصفهان به عنوان استان‌های برخوردار، استان‌های خراسان رضوی، فارس، قم، آذربایجان شرقی، یزد، مرکزی، کرمان، سمنان، زنجان و قزوین به عنوان استان‌های نیمه برخوردار و سایر استان‌های کشور هم محروم می‌باشند.

بنابراین به برنامه‌ریزان و مسئولان پیشنهاد می‌شود در برنامه ریزی منطقه‌ای و تخصیص بودجه در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی، جهت رفع و یا کاهش نابرابری بین استان‌های کشور، اولویت‌ها را با توجه به درجه توسعه یافتگی استان‌های کشور و میزان برخورداری استان‌های کشور از این شاخص‌ها انجام دهند. با توجه به این موضوع، پیشنهاد می‌شود که در مرحله اول استان‌های توسعه نیافته در اولویت تخصیص بودجه و توسعه‌ی شاخص‌های قرار بگیرند و در مرحله بعد، توجه همزمان به گسترش و توزیع عادلانه امکانات توسعه در بین استان‌های کشور گردد.

پیشنهادات

در این راستا پیشنهاداتی برای توسعه یافتگی استان‌های کشور ارائه می‌شود:

- تلاش در جهت توزیع عادلانه امکانات توسعه در بین استان‌های کشور با بررسی شبکه شهری استان‌های کشور در قالب کلان منطقه‌ها.

- توسعه شهرهای میانی در استان‌ها برای ایجاد پیوند بین شهرهای میانی، کوچک و روستاها و روستاها.

- کم‌رنگ‌تر کردن برنامه ریزی‌های متمرکز و توجه به برنامه ریزی بخشی در جهت رسیدن به برنامه ریزی منطقه‌ای و توسعه از پایین به بالا.

- توسعه و تجهیز زیرساخت‌ها، پایه و اساس تعادل بخشی به روابط انسان، فعالیت و فضا است. از همین رو پوشش کامل شبکه‌های ارتباطی، زمینی، ریلی، دریایی و هوایی، شبکه خطوط انتقال نیرو و انرژی کمک مؤثری به رفع عدم تعادل‌ها فضائی، جمعیتی و فعالیتی استان‌های کشور می‌باشد.

- ایجاد و تقویت سکونتگاه‌های شهری جدید در استان‌های کمتر توسعه یافته و توسعه امکانات و سرمایه گذاری در آنها جهت جذب جمعیت.

- توسعه همگام و هماهنگ شهر و روستاها و رابطه متقابل بین شهرها و روستاهای کشور.

- اتخاذ استراتژی‌های محرومیت زدایی آموزشی در این استان‌های کمتر توسعه یافته به گونه‌ای که زمینه لازم جهت ارتقاء این استان‌ها به حد متوسط کشور فراهم شود.

- گسترش فضاها و امکانات آموزشی متناسب با تراکم جمعیتی استان‌های کمتر توسعه یافته.

- ایجاد جاذبه‌های زندگی شهری در استان‌های کمتر توسعه یافته جهت جلوگیری از مهاجرت به کلانشهرها.

- برنامه ریزی‌های مطلوب جمعیت در راستای رسیدن به اندام واره مطلوب از جمعیت. یعنی باید بین تمام بخش‌های جمعیت نوعی تعادل پویا و تجدید شونده برقرار باشد. هدف سیاست جمعیتی، حفظ تعادل پویای ساختار کلی جمعیت است. بنابراین ساختار کلی جمعیت باید مثل یک اندام واره رشد موزون داشته باشد. تغییرات جمعیتی علاوه بر این که از پارامترهای جمعیتی ناشی می‌شود، از عوامل اقتصادی و فرهنگی هم تاثیر می‌گیرد. اما وقتی هدف سیاست‌های

9. Bebel, A (1970), woman under socialism, New York: source book press

10. Charle, Edwin. (1983), Mocreconomics of Developing Country, Mc Graw-Hill.

11. Gilbert, A., (1989), Development Planning and Spatial Structure, John Wiley

12. Gomes, R. and D. K. Foot (2003). "Age Structure, Income Distribution and Economic Growth", Interdisciplinary Institute of Management London School of Economics, Department of Economics University of Toronto, Toronto, Ontario.

13. Heer, D (1977), three issues in soviet population policy, population and development review 3

14. Jianmin, Li (2010), The conception and meaning of balanced population development, Population Research, 3, (in Chinese).

15. Lei, Zhang & Z. Dayong (2011), Relationship between Ecological Civilization and Balanced Population Development in China, Journal of Energy Procedia, 5.

16. Lenin, V. I. (1963), the working class and neo - Malthusianism in collected works, Volume 19, Moscow: foreign languages publishing house.

17. Mbonile, Milline and Julius Kvelia (2001), population, environment and development in kinondoni district, Tanzania, LUCID Working Paper Series No. 39.

18. Ross, John (1996); International Encyclopedia of population, Vol.1, New York, A division of Macmillan publishing CO, Inc

19. Simon, J (1977), Theory of Population and Economic Growth, Basil Blackwell, Oxford.

20. United Nations. (1973), "Principles and ecommendations for Population and Housing Censuses, Revision 1" Statistical Papers, Series M, No. 67/Rev 1 New York: United Nations.

21. Zhai zhenwu, Yangfan, (2010), The situation and analysis of balanced population development in China, Population and Family Planning, 8, 11-12, (in Chinese).

جمعیتی، حفظ تعادل پویای جمعیتی است، برای حفظ تعادل، تغییرات جمعیتی باید مداوم رصد شود تا دورنمای تحولات جمعیتی را بتوان ترسیم کرد در این شرایط است که می‌توان با برنامه ریزی‌های عملیاتی اکثر استان‌های کشور به سطح مطلوبی از توسعه یافتگی برسند.

منابع

۱. اصغرپور، محمدجواد (۱۳۸۷)، تصمیم‌گیری‌های چند معیاری، انتشارات دانشگاه تهران.

۲. اکبری، نعمت‌الله و مهدی زاهدی کیوان (۱۳۸۷)، کاربرد روش‌های رتبه‌بندی و تصمیم‌گیری چندشاخه، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.

۳. زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۷۱)، جمعیت و توسعه مجموعه مقالات، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.

۴. قاضی طباطبائی، محمود؛ آقایی‌هیر، توکل (۱۳۸۸)، جمعیت و فقر در ایران، کتاب جمعیت و توسعه، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

۵. کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۹)، «توسعه و مناسبات جمعیتی در ایران: با رویکرد آینده‌نگر»، برداشت دوم، سال هفتم، شماره‌های ۱۱ و ۱۲، تهران.

۶. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن.

۷. موسوی، میرنجف و علی باقری کشکولی (۱۳۹۱)، تحلیل جمعیت در برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، انتشارات آراد کتاب، کهکشان دانش، تهران.

8. Barton, Carl R, Janis Bernstein and Josef Leitmann (1992) Managing the Environmental Challenge of Mega-Urban Regions. Paper prepared for the International Conference on Managing the Mega-Urban Regions of the Association of Southeast Asian Nations (ASEAN) Countries: Policy Challenges and Responses. Asian Institute of Technology, Bangkok, 30 November-3 December